

مقاله پژوهشی: نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی

کاظم سام دلیری^۱، محمدرضا خسروی^۲، بهمن رحیمی^۳ و منوچهر شریفی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

چکیده

«نفوذ» یکی از راهبردهای اعمال قدرت است که در اعصار قدیم در اشکال سخت و نیمه سخت و در عصر جدید در قالب نرم از سوی کشوری علیه کشور دیگر یا از جانب شخصی بر روی شخص دیگر اعمال می‌گردد. در این مقاله محققین باهدف بررسی نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی برآند تا با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین‌گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی، محورها و مصادق‌های نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی مبتنی بر اسناد و مدارک متقن را مورد توجه و مذاقه قرار دهند. بررسی ساختار سیاسی دوره پهلوی نشان می‌دهد آمریکا برای نفوذ در حوزه سیاسی این دوره به جهت ساختار حکومت استبدادی که عمده قدرت در اختیار حاکم است لذا تمرکز خود را با اولویت یک‌بر قدرت اول سیاسی کشور (شاه) و سپس بر قدرت دوم سیاسی کشور (دولت‌مردان عالی پهلوی) نموده و بانفوذ و تسلط بر این دو محور اهداف و منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا را تأمین می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، پهلوی، نفوذ، نفوذ سیاسی

۱- دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانش‌آموخته دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

۴- دانش‌آموخته دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Yth42108@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله:

نفوذ در دوره پهلوی، از حالت کسب امتیازات سیاسی و مقطعی توسط ایالات متحده با اعمال نفوذ بر سیاستمداران ایرانی فراتر رفته و شکل کارگزاری و پایدار پیدا می‌نماید بدین معنی که جهت‌گیری اصلی کشور و سیاست‌های کلان در آن دوران، در چارچوب ریل‌گذاری اهداف و منافع آمریکا معطوف می‌گردد. نفوذ سیاسی در این دوران در ابعاد و سطوح مختلف همانند جلب همکاری شاه، شبکه‌سازی از نخبگان و دولت‌مردان، ایجاد نهادها و مؤسسات برای تأمین اهداف و منافع ایالات متحده، تصویب قوانین و ایجاد هنجارها و ارزش‌ها مطابق با خواست‌های لیبرالی آمریکا عملیاتی می‌گردد که در راستای تثبیت و تضمین روابط دست-نشاندهی قابل‌تعریف است که البته منجر به حفظ و تثبیت قدرت دست‌نشانده در ایران آن دوران است. بنابراین اهمیت و ضرورت کالبدشکافی نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی برای درک صحیح قوائد تکرارشونده تاریخی از جهت ریشه‌یابی رفتارهای جاری آمریکا امری مهم و حیاتی است، از سوی دیگر یکی از محورهای اصلی تبلیغات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بیگانه وابسته به اپوزیسیون سطنت‌طلب به‌ویژه در سال‌های اخیر، تطهیر چهره رژیم پهلوی به‌عنوان یک فرد میهن‌پرست ملی، ضرورت تحقیق را دوچندان می‌نماید بر این اساس سؤال اصلی تحقیق بر این پایه استوار است که نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی چگونه بوده است؟ برای پاسخ‌گویی علمی به سؤال، محورها و مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی مستند به اسناد و مدارک معتبر مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد تا نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی با ارائه اسناد متقن اثبات گردد.

۱. مبانی نظری

پیشینه تحقیق

جدول شماره ۱: پیشینه

عنوان رساله	ابعاد نفوذ آمریکا در ایران (۱۹۵۳-۱۹۷۹) و پیامدهای آن در شکل‌گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی
مشخصات محقق	پیر هادی، محسن
محل اجرا	تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵
سؤال‌ها/ فرضیه‌ها	۱. ابعاد نفوذ آمریکا در ایران (۱۹۵۳-۱۹۷۹) کدامند؟
نتایج	نگارنده سرآغاز نفوذ آمریکا در ایران را بعد از شکست نفوذ انگلیس در ایران قلمداد و اقدامات آمریکا را در فی‌مابین دو واقعه انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی بررسی نموده و به این نتیجه می‌رسد که غرب برای ایجاد یک حصار ضد کمونیستی در جوار مرزهای شوروی (سابق) در خاورمیانه با پیوستن به پیمان بغداد پاسخ مثبت می‌دهد، ایران متعاقب آن در سایه دکترین آیزنهاور ^۱ کمک‌های گسترده نظامی از آمریکا دریافت می‌نماید و به دلیل ترس از تکرار تجربه عراق، شاه و آمریکا پیمان امنیتی با یکدیگر منعقد می‌نمایند.

عنوان مقاله	چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش (از موازنه منفی تا وابستگی)
محقق	میلانی، جمیل
مشخصات فصلنامه	این مقاله در سال ۱۳۹۳ در شماره ۴ فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است.
سؤال‌ها/ فرضیه‌ها	آیا چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به جهت منافع ملی بوده است؟
نتایج تحقیق	نگارنده در پی آن است تا با نگاهی به وضعیت سیاست خارجی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد چرخش کامل در سیاست خارجی ایران را نشان دهد که در مقاله به این نتیجه می‌رسد این تغییر تاکتیک نه بر اساس منافع کشور بلکه بر اساس دخالت‌های بیگانگان و منافع آنان و با همکاری عوامل دست‌نشانده شکل می‌گیرد. شاه بعد از کودتا از روابط ایران با آمریکا در زمان دکتر مصدق به‌عنوان موازنه منفی نام برد و تأکید نمود بعد از کودتا این موازنه به موازنه مثبت تغییر شکل خواهد داد لذا با این طرح شاه که بازگشت به قدرت مجدد را مدیون آمریکا می‌دانست عملاً همه بخش‌های کشور را در اختیار آمریکا قرارداد.

عنوان	شکست جادویی: سقوط شاه
محقق	زونیس ^۱ ، ماروین
مشخصات	کتاب فوق در سال ۱۹۹۱ م چاپ شده است.
نتایج تحقیق	در این کتاب سقوط شاه بر اساس یک تحلیل روان‌شناختی از شخصیت شاه و وابستگی‌های او به برخی از اطرافیان تبیین شده است و عقیده دارد علت اصلی سقوط شاه ضعف‌های درونی خود او بوده باین‌حال نویسنده در تحلیل خود از نقش شرایط بین‌المللی به‌ویژه عملکرد آمریکا غفلت نکرده است. نویسنده شاه را فردی ضعیف معرفی می‌نماید لیکن تأکید می‌کند برخی عوامل باعث شد تا این فرد ضعیف بتواند سال‌ها در ایران حکمرانی نماید؛ ^۱ دوستانی همچون علم و فردوست ^۲ ارتش و ساواک ^۳ حمایت آمریکا. این سه عامل به شاه کمک کرد تا بتواند با دفع مشکلات و مسائل پیش‌آمده، دولت را مدیریت نماید. نویسنده علت اصلی ضعف‌های شاه را محیط تربیتی دوران کودکی و استبداد رضاشاه معرفی کرده است.

تعاریف اصطلاحات

الف. مفهوم نفوذ

نفوذ در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند. توانایی فرد از تغییر دادن رفتار دیگران بدون داشتن موفقیت رسمی و فراگرد اثرگذاری به افکار، رفتار یا عواطف شخصی دیگر را نفوذ گویند (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۶۲۰). آقا بخشی در خصوص نفوذ می‌نویسد؛ «در فرهنگ سیاسی «نفوذ»، شکلی از قدرت است؛ اما از اصطلاح «قدرت» به سبب شیوه‌های اجرایی آن، متمایز است. نفوذ را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به‌موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آن‌ها نیست، عمل کند. پول، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید، از جمله وسایلی‌اند که فرد به کمک آن‌ها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند» (آقا بخشی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

تعریف عملیاتی نفوذ

در این پژوهش نفوذ به مفهوم تأثیرگذاری آمریکا بر روی افراد، تغییر ساختار در حوزه‌های سیاسی، تغییر در قوانین حاکمیت و جامعه ایران در دوره پهلوی به صورت آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی با پوشش‌های متعدد در جهت اهداف و منافع خودش است.

نفوذ سیاسی

نفوذ سیاسی به دنبال ایجاد بی‌ثباتی در سازمان دولت است. ایدئولوژی به‌عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظام و کنش سیاسی، اجتماعی و چگونگی اجرای آن‌ها در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی به‌گونه‌ای که هویت و ماهیت واحد سیاسی را شکل می‌دهد و مشروعیت آن را تضمین می‌کند، جنگ ایدئولوژی به معنای مبارزه میان دو طرز فکر و روش و شیوه زندگی سیاسی است. اگر نفوذ بتواند ایدئولوژی سازمان دهنده را که توجیه‌کننده چرایی استقرار حاکمیت و مشروعیت بخش نظام سیاسی است را به چالش بکشد بخش زیادی از کارکرد خود را در ایجاد بی‌ثباتی ایفا نموده است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۳۶).

ب. پهلوی

دوره پهلوی آخرین دوره پادشاهی ایران از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۵۷ شمسی است که بعد از برچیدن حکومت قاجار بر ایران مسلط گردید. نفوذ سیاسی آمریکا در ایران برابر اسناد تاریخی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش در زمان حکومت پهلوی دوم حادث شده است. پهلوی دوم یا محمدرضا دومین و آخرین پادشاه دودمان پهلوی و آخرین پادشاه ایران از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش بر ایران حکومت رانده است. محمدرضا شاه در پی استعفای پدرش رضا پهلوی و بارای مجلس شورای ملی به پیشنهاد محمدعلی فروغی برای حفظ تمامیت ارضی ایران بر اثر هجوم متفقین به پادشاهی رسید و با انقلاب ۱۳۵۷ ش برکنار شد.

وضعیت سیاسی حکومت پهلوی

سیاست در حکومت‌های جباری، تک‌بعدی و محصول تصمیم یک نفر است، در این فضا سیاست مبتنی بر آمال حاکم بوده و مصالح سیاسی ملت و کشور بایستی در دیدگاه و مزاج حاکم نمایان باشد تا قابلیت اجرایی پیدا نماید، در این شرایط این حاکم خودرأی و جبار است که سیاست داخلی را در جهت افزایش قدرت خود تبیین نموده و سیاست خارجی را مطابق با آرزوهای توهمی خود بنیان می‌نهد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

ب. آمریکا

ویژگی‌های سیاست خارجی آمریکا

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده از منابع متعدد مشخص شد سیاست خارجی آمریکا دارای سه رویکرد اصلی است که غرایق زندی (۱۳۹۸) این سه رویکرد را به صورت جامع و مختصر جمع‌بندی کرده است :

جدول شماره ۲: رویکردهای سیاست خارجی آمریکا

رویکردهای سیاست خارجی آمریکا	
جامعه‌محور	سیاست‌گذاری خارجی آمریکا تابع افکار عمومی و ارزش‌های فرهنگی جامعه آمریکا
نخبه‌محور	سیاست‌گذاری خارجی آمریکا تابع نخبگان آن کشور و نخبگان تابع فضای بین‌المللی
قدرت‌محور	سیاست‌گذاری خارجی آمریکا تابع امنیت ملی آن کشور و امنیت ملی با موازنه قدرت به دست می‌آید

اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه (بعد از جنگ جهانی دوم)

برابر اسناد اهداف راهبردی آمریکا در منطقه خلیج فارس بعد از جنگ جهانی دوم عبارت‌اند از :

- جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس
- حفظ تمامیت ارضی رژیم صهیونیستی
- تأمین جریان آزاد نفت برای استفاده کشورهای صنعتی و پیشرفته غرب
- حفظ و گسترش منافع اقتصادی آمریکا
- حفظ و تحکیم ثبات و امنیت منطقه‌ای برای اهداف بالا
- زمینه‌سازی برای تسریع در روند صلح خاورمیانه
- گسترش نفوذ و تحکیم روابط با کشورهای میانه‌رو و طرفدار غرب در منطقه (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۲۹)

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیشرو یک تحقیق تاریخی است، پژوهش تاریخی عبارت است از بازسازی گذشته به منظور حل مسائل. نوع تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است، روش تحقیق بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها با توجه به موضوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین‌گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی می‌باشد. قلمرو زمانی از نظر جمع‌آوری داده ۳۷ سال دوره پهلوی دوم (محمدرضا پهلوی) می‌باشد. قلمرو مکانی این تحقیق هم از نظر مکان جمع‌آوری داده‌ها و هم از نظر مکان کاربردی نتایج این تحقیق در فضای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. گردآوری داده به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اقدامات آمریکا در حوزه سیاسی

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که اقدامات آمریکا در حوزه سیاسی (داخلی و خارجی) دوره پهلوی متمرکز بر قدرت اول حوزه سیاسی و قدرت دوم حوزه سیاسی ایران بوده است. در دوره پهلوی به دلیل ساختار استبدادی و سلطنتی حاکمیت، قدرت اول سیاسی کشور در اختیار شاه و قدرت دوم سیاسی کشور در اختیار مدیران عالی دولت پهلوی بود. مهم‌ترین روش آمریکا در نفوذ، نفوذ بر شاه و مدیران عالی شاه بود؛ لذا این دو محور مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرند:

الف. قدرت اول حوزه سیاسی دوره پهلوی (شاه)

دولت پهلوی از منظر سیاسی ساختاری خودکامه داشت و در آن تمام ارکان دولت شامل مجلس شورای ملی و مؤسسان، ارتش، دولت و وزارتخانه‌های مربوطه، نظام اداری و قضائی مستقیم و غیرمستقیم تحت اوامر مطلقه شاه بودند لذا در این وضعیت بهترین اقدام برای کنترل و مدیریت ایران در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه سیاسی، نفوذ و تسلط بر شخص شاه می‌باشد (خسروی، ۱۴۰۰/۶/۷). آمریکا با اشرافیت بر این موضوع اولین و مهم‌ترین اقدام در ایران را متمرکز بر روی شخص شاه قرار داده و با اقدامات متعدد اداری، روانی، تهدید و تطمیع در نهایت وی را تحت کنترل خود درآورده و تسلط و نفوذ خود را محقق می‌سازد. اسناد موجود در این زمینه حاکیست:

در یک سند از گزارش سفارت آمریکا به وزارت خارجه این کشور آمده است: «شاه از نظر ما مناسب‌ترین فرد برای هدایت ملت ایران به سوی یک سیستم دموکراتیک است» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۹). برابر تأکید زونیس^۱ در کتاب شکست شاهانه؛ آمریکایی‌ها نسبت به شاه دچار رویکردی دوگانه بودند، عده‌ای شاه را به‌عنوان کسی می‌شناختند که به تیمار مداوم آمریکا نیاز دارد وعده‌ای دیگر او را به‌عنوان شخصیتی قوی و نیرومند می‌شناختند. جالب آنکه شاه در این میان، آمریکا را مقتدرترین حامی خود می‌دانست (زونیس، ۱۳۷۱: ۲۱۶). از همین رو، در روزهای ابتدایی انقلاب، به یکی از دستیارانش گفته بود: «تا وقتی آمریکایی‌ها از من حمایت می‌کنند، هرچه بخواهیم می‌توانیم بکنیم، نمی‌توانند مرا از جایم تکان بدهند» (فردوست، ۱۳۷۰: ۲۵۸). برابر اظهارات فردوست؛ یکی از مهم‌ترین علل گرایش شاه به آمریکا جریان آذربایجان بود، بعد از آنکه فشار آمریکا باعث شد تا شوروی در سال ۱۳۲۵ از ایران خارج شود همین امر باعث مرعوب شدن بیش‌ازپیش شاه نسبت به آمریکا گردید به‌نحوی که یک‌بار به فردوست اظهار می‌کند: «این آمریکایی‌ها عجب قدرتمند هستند، اتکاء به آنان باعث خروج شوروی و خارج شدن آذربایجان از چنگ آن‌ها شد» (همان، ۲۴۴). درواقع اگر محمدرضا انگلیس را عامل به سلطنت رسیدن خود می‌دانست، آمریکا را ناجی آذربایجان از دست شوروی محسوب می‌کرد و همین سرآغاز گرایش محمدرضا به آمریکا به‌عنوان قدرت جدید شد (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۴۹). همین گرایش و وابستگی به آمریکا باعث شد تا شاه هر ۱۵ روز یک‌بار سفیر آمریکا و کارمند ارشد سیا را به‌صورت جداگانه ملاقات نماید. شاه تأکید می‌کرد سفارت آمریکا هر آنچه لازم داشت در اختیار آن‌ها قرار دهد (همان، ۳۳۲). برابر اظهارات سولیوان^۲ سفیر آمریکا در تهران؛ شاه تقریباً هر ده روز یک‌بار به من وقت ملاقات می‌داد در این ملاقات‌ها گاهی مطالبی را عنوان می‌کرد که می‌باید نظر واشنگتن درباره آن خواسته می‌شد و گاهی که مطلب خاصی در میان نبود و شاه به بیان نظرات خود درباره مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای اکتفاء می‌کرد و انتظار داشت که این مطالب به واشنگتن منعکس شود (سولیوان، ۱۳۹۳: ۵۰). برابر اظهارات فردوست؛ سفارت آمریکا ضمن اینکه خودش با شاه ارتباط داشت برایش عامل نفوذی هم گذاشته بود؛ سفیر برزیل و همسرش با شاه و خانواده‌اش خیلی دوست بودند، سفیر بعد از پایان دوره چهارساله‌اش یک دوره دیگر مأموریتش تمدید شد که بعدها سفیر می‌گفت تمدید مأموریت وی با فشار و اصرار آمریکا انجام شده

۱- Zonise

۲- Solivane

است که آنجا من متوجه شدم وی عامل سازمان سیا است. مأمور سیا هرماه یک بولتن سری که در آن وقایع و حوادث جهانی درج شده بود برای مطالعه در اختیار شاه قرار می داد و شاه هم پس از مطالعه به دفتر ویژه ارسال می کرد (فردوست، ۱۳۷۰: ۳۳۳). سفارت آمریکا با این عنوان که خطوط تلفن شاه امن نیست یک خط تلفن امن با ۱۰ شماره در اختیار شاه قرارداد و اصطلاحاً به آن تلفن امن یا تلفن قرمز می گفتند و به همین سادگی همه مکالمات تلفنی شاه را شنود می کردند (همان، ۳۳۶). در همه مهمانی های شاه همیشه نماینده سیا در سفارت آمریکا حضور داشت و بعضی وقت ها هم من (فردوست) برای مهمانی به منزل نماینده سیا می رفتم (همان، ۳۳۹).

تجزیه و تحلیل اقدامات فوق بر اساس تعریف عملیاتی نفوذ:

بر اساس تعریف عملیاتی از نفوذ؛ «در این پژوهش نفوذ به مفهوم تأثیرگذاری آمریکا بر روی افراد، تغییر ساختار در حوزه های سیاسی، تغییر در قوانین حاکمیت و جامعه ایران در دوره پهلوی به صورت آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی با پوشش های متعدد در جهت اهداف و منافع خودش است»
لذا اقدامات آمریکا در خصوص شاه از این جهت که آمریکا به دنبال تأثیرگذاری بر روی شاه برای همسو کردن وی در راستای اهداف و منافع خود می باشد یک اقدام نفوذی محسوب می شود.

برابر تعریف عملیاتی نفوذ مشخص گردید اقدامات آمریکا در خصوص شاه، نفوذ محسوب می گردد لذا با توجه به اینکه شاه بالاترین جایگاه سیاسی کشور را در اختیار داشته و به عنوان حاکم، اولین قدرت سیاسی در ایران است و شاه در حکومت پهلوی صاحب سلطنت و دارای بالاترین مقام حکومتی بوده که یک مقام سیاسی در سطح کشور محسوب می گردد، به همین جهت این اقدام نفوذی در حوزه نفوذ سیاسی آمریکا دسته بندی می گردد.

برخی از مصداق های این نفوذ به شرح زیر ارائه می گردد:

۱. اولین مصداق نفوذ آمریکا در ایران با محوریت شاه تعهد و اتحاد شاه با آمریکا بود به عبارتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش شاه اذعان نمود عمر سیاست خارجی موسوم به «موازنه منفی» به اتمام رسیده است. شاه پس از سرنگونی مصدق و سرکوب نیروهای مخالف، سیاست «موازنه مثبت» را در پیش گرفت که به معنای تعهد و اتحاد با ایالات متحده بود، در واقع مقصود محمدرضا پهلوی از اتخاذ چنین جهت گیری ارائه بدیلی در مقابل تز موازنه منفی مصدق باهدف تعامل مثبت با جهان بود. اما در عمل این جهت گیری به اتحاد و ائتلاف ایران با آمریکا انجامید نه تعامل مثبت با جهان (عطایی و منصور، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

۲. از دیگر مصداق های نفوذ آمریکا بر ایران با محوریت شاه، تعریف پروژه حامی - پیرو برای وابسته نمودن ایران به آمریکا در همه حوزه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و... است، در چنین رابطه ای معمولاً کشور حامی کمک های اقتصادی، فنی و نظامی به کشور دست نشانده (پیرو) ارائه نموده و می کوشد تا با انعقاد پیمان های امنیتی - دفاعی از آن کشور پشتیبانی کند. در ازای این خدمات کشور دست نشانده نیز نوعاً خدماتی ارائه می دهد که بر امنیت کشور حامی بیفزاید که این مسئله ممکن است قبول نقش پلیس منطقه ای و یا انجام مانور مشترک نظامی باشد (همان، ۲۳۲).

۳. اجرای دکترین نیکسون^۱ در ایران نیز یکی دیگر از مصداق‌های نفوذ آمریکا بر ایران دوره پهلوی با محوریت شاه است، دکترین نیکسون که در سال ۱۳۴۸ ش در جریان سفر او به فیلیپین و هنگام اقامت او در جزیره گوام مطرح شد بر این پایه بود که حفظ امنیت و منافع آمریکا در مناطق جهان با همکاری و مشارکت منطقه‌ای هم‌پیمانان آمریکا میسر خواهد بود. بر این اساس دو کشور ایران و عربستان سعودی به علت توانایی‌های نظامی و مالی مهره‌های اصلی ثبات منطقه‌ای و عهده‌دار جلوگیری از نفوذ شوروی در خاورمیانه انتخاب شده بودند. با این حال نزدیکی روابط شاه با نیکسون و تمایل او برای ایفای نقش برتر منطقه‌ای و از طرفی هشدارهای متعدد شاه به آمریکا درباره خطر حزب بعث عراق و بی‌ثباتی‌های عربستان در کنار تعهد ملک فیصل به مبارزه با اسرائیل موجب شد تا آمریکا ایران را قدرت برتر منطقه بشناسد (الوندی، ۱۳۹۵: ۹۲).

۴. اعطای مصونیت سیاسی و قضایی به مستشاران آمریکایی و خانواده آنان یا همان طرح معروف کاپیتولاسیون از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا بر ایران دوره پهلوی با محوریت شاه است. برابر اسناد موجود کاردار سفارت آمریکا در گزارش ۲۹ مهر ۱۳۴۲ ش از سفارت به وزارت امور خارجه به مذاکره خود با احمد میرفندرسکی، معاون وزارت امور خارجه اشاره می‌کند و می‌نویسد، میرفندرسکی اظهار داشته: «این قانون (طرح کاپیتولاسیون) اکنون یک سند حکومتی است، نه یادداشت‌های مبادله شده، این قانون روشن می‌کند که امتیازات کنوانسیون وین، رئیس هیئت مستشاری نظامی و افراد زیردست او را در برمی‌گیرد». کاردار سفارت در ادامه با اشاره به اینکه در این قانون هیچ اشاره خاصی به بستگان وجود ندارد می‌نویسد: «او مرا مطمئن ساخت که یک موافقت بی‌سروصدا میان ما وجود دارد که مصونیت بستگان را نیز در برمی‌گیرد و اگر فردی از بستگان دچار وضعیتی شود که به اتهام جنایی ختم گردد، وزارت خارجه وارد عمل خواهد شد تا آن شخص به خاطر آن اتهام تحت تعقیب قرار نگیرد» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۷).

۵. از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا در ایران دوره پهلوی با محوریت شاه، تأکید به ارتباط ایران با رژیم صهیونیستی بود تا به این وسیله امنیت این رژیم در برابر اعراب حفظ و تقویت شود. شاه به دلیل مخالفت روحانیون و مردم تمایلی به ارتباط آشکار با رژیم صهیونیستی نداشت لیکن ارتباطات پنهان در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی باقوت در جریان بود. برابر اسناد موجود شاه برابر خواست آمریکا همواره سعی می‌کرد با ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای در میانه منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی بایستد. هفتاد درصد نفت رژیم صهیونیستی از ایران تأمین می‌شد. ایران در سال ۱۳۳۲ ش برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرد و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۲۲).

۶. از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا در ایران با محوریت شاه تأکید به حمایت ایران از پاکستان در برابر هند و شوروی بود که در چارچوب سیاست‌های دکترین نیکسون بر ایران تحمیل می‌گردید و بایستی ایران منافع آمریکا را تأمین می‌نمود. بنا به تأکید رابرت مک نامارا^۲، وزیر دفاع آمریکا، مدل طرح مارشال^۳ پس از جنگ جهانی دوم را

۱- Niksone

۸- Maknamara

۳- Marshal

داشت، به گفته مقامات ایران برای پشتیبانی از استقلال و تمامیت ارضی پاکستان و تثبیت مرزهای شرقی دولت شاهنشاهی چندین وام بنا به توصیه آمریکا به پاکستان اعطاء کرد که بلاعوض بود (مهدوی، ۱۳۶۸: ۲۰۲).

۷. از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا در ایران در حوزه سیاسی با محوریت شاه تأکید به حضور ایران در جنگ-های داخلی عمان در راستای دکترین نیکسون بود. مداخلاتی که با تمایل ایران انجام نمی‌گرفت (هالیدی، ۱۳۵۸: ۸۵). بالغ بر سه هزار نفر از نیروهای مسلح ایران از سال ۱۳۵۱ش باهدف سرکوب جبهه آزادی‌بخش ظفار در عمان، که کشورهای بلوک شرق به‌ویژه شوروی از آن پشتیبانی می‌کرد، شرکت کردند. (اسناد وزارت امور خارجه، شماره سند. ج ۲۱، پ ۳، ۳، ۳/۸/۱۳۵۳).

۸. یکی دیگر از مصداق‌های نفوذ آمریکا بر ایران با محوریت شاه در راستای دکترین نیکسون ارسال تجهیزات نظامی به یمن شمالی بود که شاه این خواست آمریکا را نیز اجابت نموده و ایران در طول جنگ‌های داخلی یمن میان سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان در طول سال ۱۳۴۹ش، در اشکال ارسال اسلحه و آموزش نظامی از جناح سلطنت‌طلب متمایل به غرب حمایت نمود؛ چنانکه عده‌ای از جوانان طرفدار این جناح در دبیرستان نظام تهران به تحصیل مشغول بودند (همان).

۹. از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر ایران با محوریت شاه تأکید به حمایت از اردن هاشمی غرب‌گرا در راستای دکترین نیکسون بود. پیوندهای نزدیک میان ایران و اردن هاشمی به‌واسطه اتحاد دو کشور با آمریکا برقرار بود. اردن تنها کشور عرب بود که به‌صورت واقعی با اعزام واحدهایی به یاری ایران درنبرد عمان اقدام کرد. (کریم‌لو، ۱۳۷۴: ۶۵).

۱۰. عضویت ایران در هیأت نظارت بر جنگ ویتنام نیز از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا بر ایران با محوریت شاه در چارچوب دکترین نیکسون بود. برابر اسناد موجود ایران در اشکال غیرمستقیم با اعزام هواپیماهای فانتوم و چندین تن از افسران خود به حمایت از وان‌تیو، ریاست جمهوری ویتنام جنوبی، پرداخت. درحالی‌که بسیاری از کشورهای پیشرفته و قدرتمند مانند کانادا از عضویت در هیأت نظارت بر تحولات جنگ ویتنام، که به‌وسیله آمریکا تشکیل شده بود، خودداری نمودند، ایران تحت فشار دولت واشنگتن با پذیرش این مسئولیت واحدهایی از افسران و کارمندان و تجهیزات نظامی خود را به سایگون اعزام کرد (همان، ۱۲۵).

۱۱. از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا در ایران با محوریت شاه در چارچوب دکترین نیکسون تأکید به حمایت ایران از کردستان عراق و ارسال تجهیزات برای آن‌ها بود. ایران از ملامصطفی بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان، درنبرد با رژیم عراق حمایت فراوان نمود؛ آمریکا بودجه‌ای به میزان ۱۶ میلیون دلار برای کمک به کردستان عراق اختصاص داد. مقادیری جنگ‌افزار ساخت شوروی که در جنگ با اعراب به غنیمت رژیم صهیونیستی درآمده بود نیز به ایران داده شد تا به کردها تحویل گردد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۵۹).

۱۲. از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر ایران با محوریت شاه در چارچوب دکترین نیکسون تأکید به مقابله ایران با گسترش کمونیسم در هر نقطه از جهان با امکانات، تجهیزات و سرمایه ایرانیان بود. ایران جدای از آسیا در قاره سیاه، به‌ویژه شاخ آفریقا، مطابق با هدایت سفارت آمریکا تحرکات نظامی برون‌مرزی متعددی داشت.

این منطقه صحنه ظهور و پیدایش دولت‌ها و جنبش‌های کمونیستی همانند کوبا موسوم به آفرومارکسیسم^۱ (مارکسیسم آفریقایی) بود (فیندلی، ۱۳۷۹: ۶۴۱).

۱۳. حمایت از مصر بعد از سقوط جمال عبدالناصر و جلوس انور سادات بر ریاست و همکاری با رژیم صهیونیستی از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر ایران با محوریت شاه در چارچوب دکترین نیکسون است. پیوندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی تنگاتنگی میان حاکمیت پهلوی و حکومت جدید قاهره بر اساس توصیه‌های سفارت آمریکا در جهت افزایش تأمین رژیم صهیونیستی برقرار گردید (همان، ۳۲۱).

۱۴. حمایت از سوریه نیز از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر ایران با محوریت شاه در چارچوب دکترین نیکسون است. علم در بخشی از خاطرات خود می‌نویسد: «روابط ما با آمریکا آن‌چنان به هم تنیده بود که هر کاری در منطقه داشتند با راحتی و بدون تشریفات به ما می‌گفتند که آن را انجام دهیم، کیسینجر^۲ به من (علم) گفت به شاهنشاه عرض کن که سوریه (حافظ اسد) قدری متزلزل شده و باید او را تقویت بفرمایید، همچنین به یک صورتی به او [اسد] حالی بفرمایید که ما متوجه و پشتیبان او هستیم» (علم، ۱۳۷۲: ۷۱).

۱۵. از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر ایران با محوریت شاه، درخواست و تأکید آمریکا برای میانجیگری ایران در رفع اختلافات اعراب و رژیم صهیونیستی است، برابر اسناد موجود آمریکا از شاه درخواست کرد که برای حل اختلافات اعراب و اسرائیل اقدام نماید، شاه از این موضوع استقبال نموده و با سفر کارتر به ایران به شکل جدی از سوی شاه پیگیری شد و ملک حسین پادشاه اردن در زمان سفر کارتر به ایران به‌طور خصوصی از طرف شاه به ایران دعوت شد و در همین سفر مقدمات توافق مصر و اسرائیل که بعدها به قرارداد کمپ دیوید معروف شد فراهم گردید و اردن می‌بایست حلقه بعدی این توافق در حل مسئله مربوطه به فلسطینی‌ها و ساحل عربی رود اردن باشد که با وساطت شاه پادشاه اردن نتوانست از پذیرش آن امتناع نماید (سولیوان، ۱۳۹۳: ۸۹).

۱۶. از دیگر مصداق‌های نفوذ آمریکا در حوزه سیاسی داخلی ایران با محوریت شاه تحمیل نخست وزیران به وی بود. برابر اسناد موجود در رقابت با انگلستان به‌ویژه از اوایل دهه ۱۳۴۰ش تلاش شد، نسل جدیدی از تکنوکرات‌های آمریکوفیل جوان، جایگزین نسل قدیمی انگلوفیل شوند. بر همین اساس شکل‌گیری دولت «حسنعلی منصور» و سپس «امیرعباس هویدا» به معنای تثبیت کامل نفوذ سیاسی آمریکا در ایران و تضعیف نخبگان سنتی همسو با انگلیس بود. آن‌چنان‌که از اسناد تاریخی برمی‌آید انتخاب تمامی نخست وزیران توسط شاه کاملاً با هماهنگی آمریکا انجام می‌گرفت. طبق یک گزارش «خیلی محرمانه» ساواک به تاریخ بهمن ۱۳۴۲ش: «وزیرمختار سفارت آمریکا اظهار داشته؛ ما منصور را به نخست‌وزیری خواهیم رساند، همان‌طور که علی‌امینی را نخست‌وزیر کردیم.» (اسناد ستاد بزرگ ارتش داران، ش. س ۰۲/۱۲۹۲۷/۳).

۱- Afro marksizm

۲- Kesinger

ب. اقدامات آمریکا در خصوص مدیران عالی حکومت پهلوی

یکی دیگر از محورهای آمریکا برای نفوذ سیاسی در ایران دوره پهلوی قدرت دوم سیاسی کشور (مدیران عالی دولت پهلوی) بودند. مدیران عالی به جهت اینکه در جایگاه سیاسی حضور دارند عملاً یک شخصیت سیاسی محسوب می‌گردند لذا به‌کارگیری این افراد تحت عنوان، نفوذ سیاسی محسوب می‌گردد.

آمریکا با علم به اینکه شاه درحالی که مستبد است به دلیل ضعف‌های روان‌شناختی به برخی از شخصیت‌های دربار تکیه داشته و با آنان مشاوره می‌نماید لذا باهدف تصمیم‌سازی برای شاه از طریق مدیران عالی، یاد شدگان را با شیوه‌های متعدد جلب همکاری نموده است که اسناد موجود در خصوص برخی از دولتمردان پهلوی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. **جمشید آموزگار**؛ یکی از مصداق‌های تمرکز آمریکایی‌ها بر روی رجل سیاسی پهلوی جمشید آموزگار است، تحلیل کلی آمریکایی‌ها در مورد جمشید آموزگار این است که او می‌تواند مهره‌ای مثر ثمر برای ما و تصمیم‌ساز برای شاه باشد، برابر گزارشی که از سفارت به واشنگتن ارسال شده در خصوص آموزگار چنین آمده است: «آموزگار محصول اصل چهار (برنامه اعطای بورس‌های فرهنگی اصل ۴ ترومن^۲) می‌باشد در آمریکا تحصیل کرده است، برخلاف افرادی که سرشار از خوش‌بینی نسبت به دورنمای اقتصادی ایران هستند، فردی است که در ارائه جنبه‌های بدبینانه این چشم‌انداز، برای ما فرد مفیدی است. به‌عنوان یک عضو اوپک و وزیر دارایی، از نزدیک از مذاکرات مربوط به نفت و کنسرسیوم اطلاع دارد و در مواردی برای انتقال برخی ملاحظات واقع‌گرایانه در مورد این مذاکرات به شاه، برای ما مثر ثمر بوده است. وی این شهرت را هم دارد که به‌طور معمول در گفت‌وگو با شاه، نسبتاً صریح است» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۷۳۳).

۲. **احمد متین‌دفتری**؛^۳ از دیگر مصداق‌های نفوذ سیاسی آمریکا بر مدیران عالی پهلوی برابر اسناد لانه جاسوسی احمد متین‌دفتری است که به‌عنوان عنصری غرب‌گرا از طریق مأموران سفارت آمریکا بکار گرفته شده است، برابر اظهارات مأمور سیا در سفارت آمریکا؛ «متین‌دفتری که جذب جاه‌طلبی خود برای ریاست اتحادیه بین‌المجالس شده است، در مقابل هیچ عاملی در برابر نامزدی خود نخواهد ایستاد. او در انجمن ایران و آمریکا فعالیت داشته و از نظر موقعیت شناخته‌شده خود به‌عنوان نخست‌وزیر و وزیر دادگستری سابق نباید نادیده گرفته شود. هرچند او یک حقوق‌دان است معذالک ممکن است در امور حقوقی بسیار سطحی قضاوت کند... معذالک او اساساً غرب‌گرا است... تملق کلید قلب او است...» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۳۷۲).

۳. **احسان نراقی**؛^۴ یادشده نیز از دیگر مصداق‌های تمرکز آمریکا بر روی رجال سیاسی برای نفوذ و به‌کارگیری آنان است، برابر اسناد لانه جاسوسی یادشده به‌عنوان رئیس دفتر فرح به‌عنوان یک عنصر مناسب برای پرورش در جهت اهداف نفوذی انتخاب شده است. برابر گزارش‌های مأمور سیا در سفارت آمریکا؛ «نراقی رئیس مؤسسه پژوهش‌های

۱ - از رجال سیاسی و نخست‌وزیر پهلوی از مرداد ۱۳۵۶ تا شهریور ۱۳۵۷ ش.

۲-Troman

۳ - حقوق‌دان و استاد دانشگاه، عضو مجلس شورا و نخست‌وزیر در دوره پهلوی اول و رئیس اتحادیه بین‌المجالس در دوره پهلوی دوم.

۴ - پژوهشگر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، مشاور و رئیس دفتر فرح.

اجتماعی است. حکومت و سازمان برنامه از خدمات او استفاده می‌کند و او در بسیاری از مسائل اساسی که در کابینه مورد بحث است شرکت دارد. به عقیده من (مأمور سیا) او یک "عامل ساواک" نیست و کاملاً طبیعی است که نمی‌تواند محرمانگی را حفظ کند، زیرا وی مدیون ما نیست. او کسی است که باید پرورش داده شود» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۳۷۳).

۴. **جعفر شریف امامی**؛ یادشده به عنوان یک مسئول عالی رتبه در دولت پهلوی از دیگر رجال سیاسی است که مشتاقانه به عنوان یک نفوذی آمریکائی برای آنان خدمت‌رسانی می‌کند. برابر گزارشی که مأمور سیا به واشنگتن ارسال می‌کند در خصوص شریف امامی این گونه نوشته است؛ «نامبرده رئیس مجلس سنا و رئیس بنیاد پهلوی و اتاق صنایع و بازرگانی است، ما هرگز دوستی نزدیکی با یکدیگر برقرار نکردیم لیکن باین حال او از دیدار من (مأمور سیا) هر دو ماه یک مرتبه استقبال می‌کند و این دیدارها را به مرور اوضاع می‌پردازد و او بسیار با اطلاع است. ما در موضوع سروصورت دادن به مسئله نیابت سلطنت از نزدیک با یکدیگر کار کردیم و طی آن او نقش مهمی داشت. او از محدوده خود فراتر رفته است تا نشان بدهد که می‌خواهد با ایالات متحده آمریکا همکاری کند و او می‌تواند در این مورد سودمند باشد» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۳۷۵).

۵. **اردشیر زاهدی**؛ اردشیر را انگلیسی‌ها به آمریکا معرفی کردند و عامل صد درصد آمریکایی‌ها شد (فردوست، ۱۳۷۰: ۷۰) اردشیر زاهدی زمانی که در بیروت تحصیل می‌کرد با کرمیت روزولت آشنا شد و در همان جا به سرویس اطلاعاتی آمریکا وصل گردید. با ویلیام وارن^۳ رئیس اصل چهارم ترومن نیز صمیمی بود، بعد از برکناری پدرش با حمایت سرویس اطلاعاتی آمریکا در تهران ماند و در سال ۱۳۳۶ش با دختر شاه (شهناز) ازدواج کرد (همان، ۲۵۹). زاهدی در یک ملاقات به تفصیل از همکاری خود با سازمان سیا در کودتایی که به رهبری پدرش در سال ۱۳۳۲ش روی داد و موجب بازگشت شاه به ایران و استقرار مجدد وی به مقام سلطنت شد سخن گفت. نقش اردشیر در این کودتا موجب نزدیکی وی به دربار و شاه شد و همین امر زمینه‌ساز ازدواج وی با شهناز دختر شاه گردید (سولیوان، ۱۳۹۳: ۱۹).

۶. **رزم‌آرا**؛ رزم‌آرا نیز یکی دیگر از مصداق‌های نفوذ آمریکا در ایران با محوریت مدیران عالی پهلوی بود، رزم‌آرا رئیس ستاد مشترک ارتش با حمایت و اصرار آمریکا نخست‌وزیر شد ولی دوام زیادی نداشت و توسط فدائیان اسلام در مسجد شاه ترور شد (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۵۸).

۷. **حسنعلی منصور**؛ یادشده نیز از دیگر مصداق‌های تمرکز آمریکا بر روی رجال سیاسی برای نفوذ و به‌کارگیری آنان است، یاتسوئیچ^۶ نماینده سیا در سفارت آمریکا در آخرین ماه‌های اقامت خود در ایران در صعود حسنعلی

۱ - سیاستمدار دولت پهلوی و رئیس مجلس سنا از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۷ ش و نخست‌وزیر از شهریور ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۷ ش.

۲ - داماد شاه، وزیر امور خارجه، آخرین سفیر ایران در آمریکا.

۳- Viliyam waren

۴ - سپهبد و رئیس ستاد ارتش که با حمایت آمریکا نخست‌وزیر شد لیکن در سال ۱۳۳۹ ش به دست اعضای فدائیان اسلام ترور شد.

۵ - سیاستمدار دوره پهلوی و نخست‌وزیر که در سال ۱۳۴۳ ش در مقابل مجلس شورای ملی توسط بخارایی از اعضای فدائیان اسلام ترور شد.

۶- Yatsuwich

منصور به نخست‌وزیری نقش اصلی را ایفاء کرد و او را به نخست‌وزیری رساند و سپس ایران را ترک کرد (فردوست، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

لیکن یادشده به جهت کمک به تصویب طرح کاپیتولاسیون توسط اعضای فدائیان اسلام ترور شد.

۸. **اسداله علم**^۱؛ علم نیز یکی دیگر از مصداق‌های نفوذ آمریکا در ایران با محوریت مدیران عالی پهلوی بود، علم در زمان صدارت در نقش طراح و مجری طرح آمریکائی انقلاب سفید کندی و دمکرات‌های آمریکائی ظاهر شد، مدتی بعد دلارهای نفتی دربار پهلوی را به پای چهره آینده‌دار در حزب جمهوری‌خواه آمریکا ریخت و در انتخاب نیکسون^۲ به ریاست کاخ سفید ایفای نقش کرد. ایران دلارهای نفتی زیادی در ستاد انتخابات نیکسون هزینه کرد (فردوست، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

۹. **علی امینی**^۳؛ یادشده نیز از دیگر مصداق‌های تمرکز آمریکا بر روی رجال سیاسی برای نفوذ و به‌کارگیری آنان است، آمریکا با فشار به محمدرضا خواستار انتصاب علی امینی به نخست‌وزیری شد، آمریکا در زمستان ۱۳۳۹ش در مسافرت زمستانی شاه به سوئیس به وی اعلام کرد اگر با خواست دولت آمریکا موافقت نکند با سقوط سلطنت و ریاست جمهوری امینی مواجه خواهد شد (فردوست، ۱۳۸۷: ۳۰۶) یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی به نام تهرانی در مجلس اظهار داشته: «دخال خارج‌ها چقدر در امور کشور ما علنی شده است، وزیرمختار سفارت آمریکا (یاتسوئیچ) که از مستأجرین حسنعلی منصور دبیر کل حزب ایران نوین است و با او روابط سری دارد، علناً گفته است؛ که من منصور را به نخست‌وزیری خواهم رساند همان‌طوری که دکتر علی امینی را نخست‌وزیر کردم (اسناد ساواک، ۴۲/۱۱/۱۳).

۱۰. **سایر عوامل آمریکا**؛ انگلیسی‌ها به تدریج عوامل اطلاعاتی و نفوذی خود در حکومت و دولت پهلوی را به مأمور سیا در سفارت آمریکا وصل کردند؛ من جمله علم، هویدا، حسنعلی منصور، شریف امامی. پس از کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا در ارتش و نیروهای انتظامی نفوذ گسترده‌ای نمود و سلاح و سازوبرگ ارتش و ژاندارمری را در مقابل دلارهای نفتی تأمین نمود. نظامیان وفادار به آمریکا عبارت بودند از؛ طوفانیان، خسروداد، ربیعی، حبیب الهی، اذهاری و یارمحمد صالح که همکاری زیادی با آمریکائی‌ها به‌خصوص مستشاران نظامی آمریکا داشتند (فردوست، ۱۳۷۰: ۲۸۸). برخی از وزرای پهلوی با آمریکا ارتباطات پنهان داشتند و دلالی و واسطه‌گری میان آمریکا و شاه را انجام می‌دادند و همان‌ها عامل اصلی اجرای طرح‌های آمریکائی در ایران بودند (سپهری، ۲۰۰۹). رجال یانکوفیل که برای آمریکا کار می‌کردند؛ احمد قوام، حسین علاء و مهذب‌الدوله کاظمی بودند که علی امینی نیز دست‌پرورده این رجال بود و برای آمریکا کار می‌کرد، حسین ارسنجانی نیز یکی دیگر از مهره‌های آمریکا بود (فردوست، ۱۳۷۰: ۲۷۵). در بین نظامیان ربیعی ارتباطات گسترده‌ای با مقامات آمریکایی به‌ویژه سفیر آمریکا در ایران داشت و احتمالاً برای آن‌ها

۱. چهره سیاسی دوره پهلوی که از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ نخست‌وزیر و از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ ش وزیر دربار و شخص مورد اعتماد شاه محسوب می‌گردید.

کار می‌کرد (آذربرزین، ۲۰۰۹). ارتشبد خاتمی چند میلیون دلار رشوه از کمپانی‌های سلاح ریستون و مک‌دانل داگلاس در خرید تجهیزات نظامی برای ایران دریافت کرده بود (رحمانیان، ۱۴۰۰).

تجزیه و تحلیل اقدامات فوق بر اساس تعریف عملیاتی نفوذ

بر اساس تعریف عملیاتی از نفوذ؛ «در این پژوهش نفوذ به مفهوم تأثیرگذاری آمریکا بر روی افراد، تغییر ساختار در حوزه‌های سیاسی، تغییر در قوانین حاکمیت و جامعه ایران در دوره پهلوی به صورت آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی با پوشش‌های متعدد در جهت اهداف و منافع خودش است»

لذا اقدامات آمریکا در خصوص قدرت دوم سیاسی کشور (مدیران عالی پهلوی) از این جهت که آمریکا به دنبال تأثیرگذاری بر روی مدیران عالی حکومت برای همسو نمودن آن‌ها در راستای اهداف و منافع خود می‌باشد یک اقدام نفوذی محسوب می‌گردد.

اقدامات آمریکا برای تأثیرگذاری بر روی این شخصیت‌ها برابر تعریف عملیاتی نفوذ محسوب می‌گردد لذا با توجه به اینکه افرادی که در اقدامات فوق تحت تسلط و نفوذ آمریکا قرار گرفته‌اند همگی دارای جایگاه سیاسی در حکومت پهلوی بوده و شخصیت سیاسی محسوب می‌گردند لذا به همین جهت اقدام فوق در حوزه نفوذ سیاسی دسته‌بندی می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

با عنایت به اسناد موجود و تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، آمریکا نفوذ سیاسی در دوره پهلوی را در دو محور پیگیری کرده است: الف. از طریق شاه که اولین و بالاترین قدرت سیاسی کشور بود و همه امورات مهم کشور به تصمیمات و دستورات شخص شاه منوط می‌شد. ب. از طریق مدیران عالی حکومت پهلوی که قدرت دوم سیاسی کشور را در دست داشتند، این افراد هم برای شاه تصمیم‌سازی می‌کردند و هم بعد از شاه بر امورات کشور مسلط بودند و حکمرانی می‌نمودند.

الف. شاه

نتایج تجزیه و تحلیل تحقیق نشان می‌دهد که کلیه امورات مهم، حساس و حیاتی کشور در اختیار شاه قرار داشت، در واقع ساختار قدرت در حکومت‌های استبدادی این چنین است، مجلس، دولت و سایر ارگان‌ها و نهادها مجری دستورات شاه هستند، در چنین ساختاری بهترین اقدام نفوذ، تسلط بر شخص اول کشور است، همان کاری که آمریکا با کمک سیاسی در خروج شوروی از آذربایجان و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش بدست آورد. نفوذ بر شاه پایه و اساس سایر نفوذها در ابعاد دیگر است زیرا شاه در همه حوزه‌ها به تنهایی تصمیم گرفته و دستور می‌دهد، برابر اظهارات نزدیکانش به نظرات مشاورینش توجهی نمی‌کند لذا نفوذ آمریکا بر شاه را می‌توان کلید طلایی نفوذ در سایر حوزه‌ها محسوب نمود. برخی از مصداق‌هایی که عمق و شدت این نفوذ را در حوزه‌های سیاسی نشان می‌دهند عبارت‌اند از: اجرای طرح موازنه مثبت در برابر موازنه منفی دکتر مصدق، شاه برای تحویل دادن کشور به آمریکا بابت جبران کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت به قدرت عنوان نمود مصدق با کشورهای دنیا به خصوص

کشورهای اروپایی و آمریکا موازنه منفی ایجاد کرده بود که به ضرر منافع کشور بود و من (منظور شاه) این را به موازنه مثبت یعنی تعامل با کشورهای دیگر تغییر می‌دهم، در واقع منظور شاه تحویل کشور به آمریکا در جبران بازگشت به سلطنت بود. سپس پروژه حامی - پیرو در اتحاد و همکاری با آمریکا مطرح شد، البته این پروژه بیشتر از سوی وزرای ایرانی و آمریکایی مطرح می‌گردید و علت اصلی آن هم واریز شدن وجه فروش نفت ایران به بانک مرکزی آمریکا و تزریق مجدد به اشکال گوناگون کالا، تجهیزات، دلار و... به ایران باعث طرح این پروژه شد که عمق وابستگی را نشان می‌دهد. در همین راستا شاه برای خرید تجهیزات نظامی بیشتر به دنبال ژاندارمی منطقه و اخذ دکترین نیکسون برآمد که آمریکا بعد از یک سال تأمل نهایتاً دکترین نیکسون را در خلیج فارس به سیاست دو ستونه تشبیه و ستون نظامی آن را بر عهده ایران و ستون اقتصادی آن را بر عهده عربستان گذاشت (که همچنان هم این ستون بر دوش عربستان است و از این اهرم استفاده می‌نماید)، این موضوع باعث شد تا شاه تجهیزات و تسلیحات نظامی گسترده و متعددی را از آمریکا خریداری و ایران را به دپوی سلاح تبدیل نماید. اما عمیق‌ترین نفوذ سیاسی را باید در اعطای مصونیت سیاسی و قضایی به مستشاران آمریکایی و خانواده‌های آنان مشاهده نمود که اوج ذلت شاه و دربار ایران را نمایش می‌دهد و نیز دستور آمریکا به شاه به برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی نیز از خفت‌بارترین نفوذهای است، زیرا شاه می‌دانست مردم ایران تمایلی به ارتباط با رژیم صهیونیستی ندارند به همین جهت ارتباطات با این رژیم را علنی نمی‌کرد، این نفوذ اوج و شدت نفوذ را نشان می‌دهد که شاه برخلاف همه قوانین و آداب و هنجارهای کشورش، صرفاً دستورات آمریکا را اجرا می‌نماید.

بعد از انتخاب ایران به ژاندارمی منطقه آمریکا در چارچوب دکترین نیکسون هر اقدامی در منطقه مورد نظرش بود به شاه دستور می‌داد تا اجرا نماید، به برخی از این موارد که مصداق نفوذ سیاسی مشهود و ملموس بر شاه است، اشاره می‌گردد؛ تأکید آمریکا به ایران جهت حمایت از پاکستان در برابر شوروی و هند برای ارسال نیروی انسانی، تجهیزات نظامی و ارائه کمک مالی بلاعوض و وام، تأکید آمریکا به حضور ایران در جنگ‌های داخلی عمان (ارسال تجهیزات نظامی و نیروی انسانی)، تأکید به حضور نظامی ایران در یمن شمالی (ارسال تجهیزات نظامی و نیروی انسانی)، تأکید به عضویت ایران در هیات نظارت بر جنگ ویتنام (اعزام نیروی انسانی)، تأکید به حمایت شاه از اردن برای حمایت از رژیم صهیونیستی و چاره‌اندیشی برای آوارگان فلسطینی (ارائه کمک مالی بلاعوض و وام به پادشاه اردن)، مقابله با توسعه کمونیسم در قاره آفریقا (ارسال تجهیزات نظامی، ارائه کمک مالی بلاعوض و وام با هزینه و سرمایه ایران)، تأکید به کمک تسلیحاتی به کردستان عراق (ارسال تسلیحات به ایران جهت تحویل به اکراد و ارائه کمک مالی بلاعوض به رئیس اکراد)، تأکید به حمایت از مصر و انور سادات در جهت کمک به رژیم صهیونیستی (ارائه کمک مالی به انور سادات و وام)، زمینه‌سازی شاه با آمریکا و اردن برای پیمان کمپ دیوید (با برگزاری چندین نشست در تهران و دادن میلیون‌ها دلار به پادشاه اردن)، تأکید به حمایت از سوریه برای کمک به صلح اعراب و رژیم صهیونیستی (ارائه کمک مالی و وام). همان‌گونه که در مصادیق مشهود و ملموس است شاه یک عامل وفادار به آمریکا است به نحوی که منافع خود را در تأمین منافع آمریکا می‌داند و پایداری سلطنت و دوام حکومت خود را در پیگیری صادقانه اهداف آمریکایی‌ها یافته است و با آمریکایی‌ها برخلاف انگلیسی‌ها صادقانه کار می‌کند، اسناد نشان می‌دهد به آن‌ها بیشتر از ایرانیان اعتماد دارد، مدیریت ادراک و ذهن شاه از سوی مامور سیا و سفیر

آمریکا به خوبی مدیریت شده است. نفوذ در شاه یک نفوذ تخصصی است که جای تأمل و کالبدشکافی بیشتر دارد که از حوصله و ساختار این مقاله خارج است.

ب. مدیران عالی پهلوی

برابر نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در تحقیق، آمریکا برای نفوذ سیاسی در محور دوم قدرت حکومت پهلوی به سراغ مدیران عالی حاکمیت رفته است زیرا یاد شدگان بعد از شاه قدرتمندترین افراد ایران از نظر سیاسی هستند لذا قریب به اتفاق این افراد را با ابزارهایی همچون تطمیع، حمایت، ارتباط و وعده بکار گرفته و در ادامه افراد واجد شرایط را رشد داده است، برخی نیز از عوامل انگلیس بودند که توسط سرویس اطلاعاتی انگلیس پس از خروج انگلیس از منطقه غرب آسیا به سرویس سیا وصل شدند. نامبردگان اهداف و منافع آمریکا را یا برای شاه تصمیم سازی می کنند یا در سیستم های اداری برای اجرا ساختار سازی می کنند. حمایت آمریکا از تعدادی از مدیران عالی به قدری آشکار و شفاف است که باعث گلایه شاه می گردد (همانند امینی) و از آن طرف داعیه داری آمریکا نیز از سوی برخی مدیران آن قدر در برخی موارد دچار افراط می گردید که به قیمت جانشان تمام می شد و ترور می شدند (مثل حسنعلی منصور و رزم آرا).

برخی از مواردی که عامل و نفوذی بودن مدیران عالی پهلوی را نشان می دهد حاکمیت؛ علی امینی زمانی که وزیر دارایی دولت پهلوی دوم بود کنسرسیوم نفتی را به نفع آمریکا مدیریت و امضاء کرد و همان پله صعودش به نخست وزیری شد و وقتی که به نخست وزیری حکومت پهلوی دوم رسید بر اساس ارزیابی سازمان سیا کاراترین مهره برای اجرای طرح انقلاب سفید معرفی شد و اصلاحات ارضی توسط وی زمانی که مجلس منحل بود در کابینه دولت تصویب و اجرایی شد. حسنعلی منصور نخست وزیر دولت پهلوی با اصرار و پیگیری آمریکا برای تصویب طرح کاپیتولاسیون نخست وزیر شد و بعد از انتصاب این طرح را به نتیجه رساند لیکن بعدها به همین خاطر ترور شد. جمشید آموزگار زمانی که رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت پهلوی بود، اصل ۴ طرح ترومن را پیگیری و اجرا نمود و علم در مقطعی که وزیر دربار بود واگذاری بحرین به شیخ نشین ها و تصرف جزایر سه گانه را با هماهنگی شاه پیگیری و انجام داد. شریف امامی در زمانی که رئیس مجلس سنای حکومت پهلوی دوم بود ضمن همکاری اطلاعاتی با سفارت آمریکا، هم زمان رئیس چندین لژ فراماسون بود و عضویت دولتمردان در لژهای فراماسون را با نظر شاه پیگیری و اجرا می نمود. اردشیر زاهدی در زمان هایی که وزیر امور خارجه و سفیر ایران در آمریکا بود ارتباط شاه با افراد سرشناس آمریکا را خارج از ضوابط رسمی، لابی می کرد من جمله با ستاد انتخاباتی نیکسون و احزاب و کمپانی های آمریکایی. ارتشبد فردوست بازرس ویژه دربار و مشاور شاه، ارتباط اطلاعاتی شاه با مأمورین اطلاعاتی انگلیس و آمریکا را بر عهده داشت. ارتشبد طوفانیان رئیس ستاد ارتش پهلوی ارتباط شاه با کمپانی های سلاح و تجهیزات نظامی آمریکا را تنظیم می کرد و سپهد خاتمی فرمانده نیروی هوایی ارتباط شاه با نیروی هوایی آمریکا را پیگیری و در خریدهای هواپیماهای شکاری به شاه مشاوره می داد.

همه مدیرانی که بالا اسم برده شدند برابر اسناد لانه جاسوسی نزد مأمور سیا در سفارت آمریکا، سابقه همکاری به صورت پنهان یا آشکار داشته‌اند، در واقع سرویس سیا این افراد را در مقطع مناسب شناسایی و جلب همکاری نموده و زمانی که در جایگاه مدیر عالی با شغل حساس و دسترسی بالا قرار گرفتند، بهره‌کشی از افراد را در جهت اهداف و منافع آمریکا آغاز کرده است. بهره‌کشی از امینی در دو طرح کنسرسیوم نفتی و اصلاحات ارضی مشهود است، همین دو طرح اقتصاد، کشاورزی و بازرگانی ایران را فلج کرد و اقتصاد لیبرال را بیمارگونه به بازار ملتهد ایران تزریق نمود که نتیجه آن جز تورم و فقر فزاینده نبود. آموزگار در طرح ترومن ایران را با کمک آمریکایی‌ها تبدیل نمود به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالاهای آمریکایی، طوفانیان با شاه درآمدهای حاصل از نفت را به جای سرمایه‌گذاری صنعتی، به کمپانی‌های سلاح و تجهیزات آمریکایی ارائه نمودن و همین باعث نامتوازن شدن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و... گردید. پس عوامل سیا کارکرد خوب و قوی برای منافع آمریکا و علیه منافع ایران داشته‌اند که تحلیل اقدامات آن‌ها خارج از حوصله و ساختار این مقاله است.

الگوی مفهومی نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی



شکل شماره ۱: الگوی مفهومی نفوذ سیاسی آمریکا در دوره پهلوی

فهرست منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو. (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار، چاپ دوم، ویرایش ششم.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت.
- آذربیزین، عبدالله. (۲۰۰۹). *مصاحبه با عنوان تاریخ شفاهی پهلوی*، آمریکا، کالیفرنیا، (توسط حسین دهباشی).
- الوندی، رهام. (۱۳۹۵). *نیکسون، کیسینجر و شاه*، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: پارسه.
- اسناد ساواک ش.س. ۴۲/۱۱/۱۳ - ۰۹۱/۱۳۶۲۱/۵۱/۴/۲۲.
- اسناد ستاد بزرگ ارتش داران ش.س. ۰۲/۱۲۹۲۷/۳.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اول، دوم، سوم، چهارم و ششم، هفتم، هشتم، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۲-۱۳۲۳، پیرهادی، محسن. (۱۳۹۵). *ابعاد نفوذ آمریکا در ایران*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خسروی، محمد رضا. (۱۴۰۰). *مصاحبه با عنوان روابط سیاسی پهلوی و آمریکا*، دانشگاه عالی دفاع ملی (توسط محقق).
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳). *کارکردهای نفوذ*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- رحمانیان، علی. (۱۴۰۰). *مصاحبه با عنوان روابط سیاسی پهلوی و آمریکا*. دانشگاه تهران (توسط محقق).
- زونیس، ماروین. (۱۹۹۱). *شکست جادویی: سقوط شاه، انتشارات دانشگاه شیکاگو*، زونیس، ماروین. (۱۳۷۰). *شکست شاهانه؛ روانشناسی شخصیت شاه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سپهری، حسین. (۲۰۰۹). *مصاحبه با عنوان تاریخ شفاهی پهلوی*، آمریکا، کالیفرنیا، (توسط حسین دهباشی).
- سولیوان، ویلیام؛ آنتونی، پارسونز. (۱۳۷۲). *خاطرات دو سفیر*، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم.
- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان، چاپ اول.
- عطایی، فرهاد و جهانشیر منصوری مقدم. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا*
- علم، امیراسدالله. (۱۳۷۱). *گفتگوی من با شاه؛ خاطرات امیراسدالله علم*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات طرح نو.
- غرایاق زندی، داوود. (۱۳۹۸). *درآمدی بر سیاستگذاری امنیت ملی*، تهران: مرکز مطالعات راهبری.
- فردوست، حسین. (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- کریملو، داود. (۱۳۷۴). *یمن*، تهران: وزارت امور خارجه.
- مهدوی، رضا. (۱۳۶۸). *تاریخ جنگ پهلوی*، تهران: انتشارات طرح نو.
- مصاحبه با متخصصان حوزه نفوذ
- هالیدی، فرد. (۱۳۵۸). *ایران*، دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران: علم.